

فتوت اسلامی و جایگاه اخلاق در حرفه‌ورزی

امیر جوان آراسته*

چکیده

از جمله خدمات عرفان و عرفا خدمت به ساحت اخلاق است که جایگاه اخلاق در حرفه‌آموزی با توجه به «فتوت‌نامه‌ها» نشانگر آن است. فتوت‌نامه‌ها، رساله‌ها و کتاب‌هایی هستند که بزرگان اهل فتوت در مقام آموزش اخلاقی پیروان و مریدان خود، درباره شیوه جوانمردی در حرفه‌ورزی می‌نوشتند. در فتوت، پیش از ورود به هر حرفه‌ای باید «فتا» شد؛ لازمه فتا شدن نیل به ویژگی‌هایی اخلاقی است که در مشرب جوانمردان برای رسیدن به این جایگاه شریف ضروری است. در این نوشتار با گذری بر مفهوم واژگانی و اصطلاحی فتوت، موارد کاربردی این واژه در قرآن رصد گردیده و به پیشینه فتوت و نسبت آن با پیامبران اشارتی رفته و سپس ارتباط میان اصناف و فتوت بررسی شده است. همچنین رویکرد خاص جوانمردان به اخلاق در عرصه حرفه‌ورزی با مراجعه به فتوت‌نامه‌ها تبیین گردیده است.

واژگان کلیدی

فتوت، فتوت‌نامه، اخلاق، سلوک نفسانی.

طرح مسئله

پیامبر اسلام، عصاره رسالت خود را در به کمال رساندن مکارم اخلاق خلاصه کرد که این بیانگر جایگاه ویژه اخلاق در دین سراسر معنویت و معرفت اسلام است. متأسفانه امروزه، هم از فقر اخلاق و اخلاقی زیستن در جامعه خود رنج می‌بریم و هم از این فاجعه که چنین دینی با چنین رویکردی و با داشتن سابقه‌ای درخشان در این ساحت، دین خشونت و دور از ارزش‌ها و کرامت‌های انسانی معرفی می‌شود. یکی از راه‌های زنده کردن اخلاق در فضای کنونی و توجه دادن خودی و بیگانه به داشته‌های ارزشمند اسلام در این وادی، پرداختن به گرایش‌ها و جریان‌هایی است که از متن اسلام برآمده‌اند و در دل آن بالیده‌اند و اخلاق را محور و معیار همه چیز - حتی موفقیت‌های عادی و روزمره - خویش دانسته‌اند. این نوشته در پی آن است تا نشان دهد بدون اخلاق، انسان حتی در کار و کسب خود نیز موفق نخواهد بود. همت این نوشتار آن است که جایگاه اخلاق در حرفه‌ورزی پیشینیان نه چندان دور ما را به تصویر بکشد و آمیختگی دیانت و شغل و اخلاق را در فتوت‌نامه‌ها نمایان کند. اخلاق، گمشده بشر سرگشته امروز است و بشر ناامید از سراب‌ها به دنبال آب ناب در تکاپو است و در این آشفته‌بازار، هر مدعی باید متاع خویش به محک نقد بسپرد تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد.

واژه و اصطلاح‌شناسی فتی و فتوت

واژه‌شناسی فتوت و ورودگاه مناسبی برای بررسی اندیشه‌ها و گرانیگاه‌های معرفتی و عملی اهل فتوت است.

واژه فتوت از کلمه «فتا» گرفته شده است، همان‌گونه که «ابوت» از کلمه «اب» (پدر) و «اخوت» از کلمه «اخ» (برادر) آمده است. جوهری در صحاح می‌گوید: فتا به معنای جوان است و فعل آن «فتی» به معنای جوان شدن است؛ «فتیت الجاریه» به معنای آن است که دختر بزرگ شده، از بازی با بچه‌ها منع می‌شود. وی در ادامه می‌گوید فتا به معنای سخی و کریم و جمع آن به صورت‌های فتیان، فتیه، فتو و فتی آمده است. به نظر می‌رسد در این معنا به مفهوم اصطلاحی فتا نزدیک شده‌ایم؛ معنایی که به دلیل کثرت استعمال و غلبه بر معنای نخستین لفظ به کتب لغت نیز راه یافته است. در لسان العرب از قول قتیبی نقل شده که فتا به معنای جوان نیست؛ بلکه به معنای مرد کامل، سخی، کریم و خردمند است و چند کاربرد برای این معنا

برمی‌شمارد. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۱۸۲ - ۱۸۱) برخی لغت‌شناسان دیگر، ماده فتا را به معنای طراوت و تازگی می‌دانند. (ابن فارس، بی‌تا: ۴ / ۴۷۲)

در ترجمه‌های کهن قرآن کریم، فتا در آیه «قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِسْرَاهِيمُ» (انبیاء / ۶۰) به «جوانک»، «جوان»، «جوانمرد» و «برنا» برگردان شده است. این نشان می‌دهد اصل آن کلمه به معنای جوان یا دقیق‌تر بگوییم جوانمرد است. همچنین صورت جمع آن را در شکل «فتیان» و «فتیة» در ذیل آیات قرآن کریم بیشتر به «جوانکان»، «جوانمردان»، «جوانان» و «آزادمردان» ترجمه کرده‌اند.^۱ (جوهری، ۱۳۹۹: ۶ / ۲۴۵۲ - ۲۴۵۱) روشن است که در این معادل‌ها، تعبیر جوانمرد بار ارزشی خاصی دارد که در دیگر معادل‌ها وجود ندارد؛ همان مفهومی که می‌توان آن را بسامد معنای اصطلاحی این واژه دانست.

اندک‌اندک در کلمه «جوان» مفهوم دلیری و بخشندگی نیز دمیده شد. به‌ویژه آن‌گاه که از زبان رسول ﷺ در حق امام علی علیه السلام جمله تاریخی و ماندگار «لا فتی الا علی» نقل شد، به تدریج تمامی نیکی‌های معنوی و همه زمینه‌های دلیری به این کلمه گره خورد و برای دارندگان این عنوان سال‌به‌سال و قرن‌به‌قرن و با عنایت به تنوع جغرافیایی، صفات و امتیازاتی در نظر گرفته شد که با تحول این صفات، تاریخ آیین جوانمردی و فتوت در جهان اسلام و به‌ویژه در میان ایرانیان شکل گرفت.

این سیر تطوّر مفهومی موجب شده است تا بگوییم: «فتوت در عرف عام عبارت است از اتصاف به صفات حمیده و اخلاق پسندیده، بر وجهی که بدان از ابنای خویش ممتاز گردد و به تعریف خواص عبارت است از ظهور نور فطرت انسانی و استیلائی آن بر ظلمت صفات نفسانی تا فضایل اخلاق بآسرها [کاملاً] ملکه گردد و رذایل به کلی اشفاء پذیرد». (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۹)

۱. البته برخی همچون ملک‌الشعرای بهار درباره شوالیه‌های غربی معتقدند آنها سنت جوانمردی و نظامی‌گری را از فرهنگ اسلامی برگرفته‌اند: «شکی نداریم که تشکیلات در تمام بلاد اسلام در سوریه و مصر نیز دایر بوده است و جمعیت «سواران اورشلیم» که از فرانسه و سایر بلاد اروپا به «شوالیه» موسوم بودند، در ضمن جنگ‌های صلیبی از جوانمردان و سواران و فتیان اسلامی که از کرد و لر و فارس و ترک و عرب مخلوط بودند، تقلید شده است و به اروپا رفته است. مورخان می‌گویند که اساس تربیت و اصلاح اخلاق اروپا خاصه فرانسه بعد از آن شد که شوالیه‌ها در آن کشور رسوخ کردند و آیین اصیل‌زادگی و جوانمردی و شجاعت را در آن مملکت رایج کردند». (روزنامه مهر ایران؛ دوره یکم؛ ش ۲۲، ۱۳۲۰؛ نقل از: کربن، ۱۳۶۳: ۱۱۹)

هانری کربن درباره معنای لغوی و اصطلاحی فتوت و فتیان می‌گوید:

واژه عربی «فتا» که جمع آن فتیان است، بر مفهوم جوانی - از شانزده تا سی سالگی - دلالت می‌کند. «جوانمردی» که معادل فارسی فتوت است، همان جوانی است و مفهوم دقیق لغوی آن، دوره جوانی از حیث جسمانی است؛ اما معنای مجازی آن «سالک» یا زائر معنوی است که به منزلگه دل رسیده باشد؛ یعنی حقیقت باطنی انسان را درک کرده و در نتیجه به مرحله جوانی جاودانه روح نایل گردیده باشد. جوانی از لحاظ جسمانی به معنای رسیدن به کمال و شکفتگی ظاهری و جسمانی است و از لحاظ معنوی به مفهوم شکوفایی کامل خصلت‌ها و نیروهای درونی اوست. به جوان، فتا یا جوانمرد و در زبان فرانسه شوالیه می‌گویند. ظاهراً برای واژه فارسی جوانمرد، شوالیه مناسب‌ترین معادل است. (کربن، ۱۳۶۳: ۴)

یک. چیستی فتوت و معنای فتا

به‌طور کلی، فتوت شعبه‌ای از تصوف محسوب می‌شود؛ چراکه اصول اخلاقی و الگوهای پرهیزگاری و عفت در فتوت با تصوف زمینه‌های مشترکی دارند؛ گرچه تفاوت‌هایی هم در این میان به چشم می‌آید. محمدجعفر محجوب می‌نویسد: «فتوت تصوفی است عوامانه و راه و رسم‌های آن ساده و علمی و درخور فهم پیشه‌وران و صنعت‌گران و کشاورزان و خلاصه، عامه مردم است». (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۱۸)

اهل تصوف برای رسیدن به هدف‌های خود از پیروان فتوت عام استفاده می‌کردند و نوجوانان توده مردم که به عقاید فتوت گرایش داشتند، به‌راحتی می‌توانستند به جرگه طریقت گام بگذارند. رکن اساسی این‌گونه فتوت ایثار بود و آن نخستین عنصر فتوت صوفیان است.

قشیری می‌نویسد:

... و گفته‌اند جوانمرد آن بود که بت بشکند، چنان‌که در قصه ابراهیم علیه السلام می‌آید ... و بت هر کس نفس اوست. هر که هوای خویشتن را مخالفت کند، او جوانمرد به حقیقت بود. (قشیری، ۱۳۷۴: ۳۵۲)

پس از نگاه تصوف، پیرو فتوت ابتدا باید با جهاد اکبر (مبارزه با نفس) شروع کند و از این راه به خدا برسد. مبانی و اصول فتوت را از قول حضرت علی علیه السلام مشتمل بر هشت خصلت

دانسته‌اند: «وفا، صداقت، سخاوت، تواضع، خیرخواهی، هدایتگری و توبه». (شرفی، ۱۳۷۶: ۱۲۴)

در متون کلاسیک عرفانی، فتوت از جنبه عرفانی با ریاضت، تهذیب نفس، جوانمردی و مخالفت با نفس، همراه و قرین است و در آن متون به توصیه‌ها و سخنانی که شرط فتوت و جوانمردی است، اشاره شده است. اموری همچون وفا، راستی، امانت، تواضع به‌هنگام دولت، احسان بی‌منت به فقیر و حتی انتخاب پیشه نیز از شرایط فتوت و جوانمردی شمرده شده است. (قشیری، ۱۳۷۴: ۳۵۶ - ۳۵۷)

در کتاب *الفتوة سلّمی*، برای ویژگی‌های اصلی فقیان به احادیث پیامبر مستند شده است؛ اما در هیچ‌کدام از این احادیث که مبتنی بر قول و فعل حضرت محمد ﷺ است، واژه فتوت به چشم نمی‌خورد و این احادیث درحقیقت بیانگر ویژگی‌هایی اخلاقی است که مسلمانان باید در برخورد با یاران و برادران خود مراعات کنند؛ مانند مهربانی، چشم‌پوشی از لغزش‌ها، پاس‌داشت دوستی، همدلی، رفتن به سرای دوست و رعایت آداب سفره، پاس‌داشت مکارم اخلاقی، بخشندگی و ... (سلّمی، ۱۳۸۵: ۲ / ۲۲۹ - ۲۴۴)

با این اوصاف، ابن‌معمار در کتاب *الفتوة* خویش آورده است:

و اما در سنت، اخباری در باب فتوت وارد شده است و گزیده‌تر آنها آن است که حضرت امام جعفر صادق ﷺ آن را از پدرش و سرانجام از جدش روایت کرده است و گوید رسول خدای ﷺ گفت: جوانمردان امت مرا ده علامت است. گفتند: ای رسول خدای آن علامت‌ها کدام است؟ فرمود: راستگویی و وفای به عهد و ادای امانت و ترک دروغگویی و بخشودن به یتیم و دستگیری سائل و بخشیدن آنچه رسیده است و بسیاری احسان و خواندن مهمان و سر همه آنها حیاست. (بغدادی، ۱۹۵۸: ۱۴)

در برخی از رساله‌های مربوط به فتوت، تقسیمات چندگانه و مراحل تودرتو و فراوان برای فتوت ذکر شده است:

و مراتب فتوت ده است: فتوت شیطانی در مراتب حجابی و فتوت انسانی و فتوت ملکی و فتوت نبوی و فتوت ولایتی و فتوت روحی و فتوت عقلی و فتوت صفاتی و فتوت فعلی و فتوت وجهی از مرتبه کل شیء هالک الا وجهه. (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۳)

وی در ادامه برای هریک از این مراتب، چهل رکن برمی‌شمارد و اضافه می‌کند:

پس معلوم شد که فتوت را ده مرتبه است و چهل رکن و هر یکی از این ارکان چهل‌گانه را ده شرط است. پس مجموع شروط ارکان مراتب فتوت چهارصد بود و هر یکی از این شروط را ده مقام است و مجموع آن چهارهزار بود و هر یکی از این مقام را ده حال است و مجموع چهل‌هزار بود و هر یکی از این حال را حضوری هست و مجموع هشتاد هزار بود و هر حضوری را شهودی است و مجموع صد و شصت هزار بود و هر شهودی را وجودی است و مجموع سیصد و بیست هزار بود و هر وجودی را بقایی است و مجموع آن ششصد و چهل هزار بود و هر یکی از این بقا را روحی است از حق و این مراتب را سیر فی‌الله خوانند. (همان: ۱۵)

دو. فتوت در قرآن و سنت

یکی از منابع اصلی اهل فتوت، قرآن کریم و وقایعی است که در آن برای برخی از انبیا و اولیای الهی ذکر شده است. هرچند لفظ فتوت به صورت مصدر در قرآن نیامده، مشتقات آن از قبیل «فتا»، «فتیان»، «فتیان» و «فتیه» در آن وارد شده است. میبیدی می‌گوید منظور قرآن از فتا تعدادی از پیامبران، از جمله ابراهیم، یوشع و یوسف است و سپس در توضیح آیه اصحاب کهف اصول کلی جوانمردی را ترسیم می‌نماید:

قوله تعالی: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ» (کهف / ۱۳) این است شرف بزرگوار و کرامت تمام و نواخت بی‌نهایت که رب‌العالمین بر اصحاب کهف نهاد که ایشان را جوانمردان خواند گفت: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ» با ایشان همان کرامت کرد که با خلیل خویش ابراهیم علیه السلام که او را جوانمرد خواند: «قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ» و یوشع بن نون را گفت: «وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ» (همان / ۶۰) و یوسف صدیق را که گفت: «تُرَاوِدُ فَتَاهَا» (یوسف / ۳۰) ... و گفته‌اند سرور همه جوانمردان، یوسف صدیق بود که از برادران به وی رسید آنچه رسید از انواع بلیات، آنکه چون بر ایشان دست یافت، گفت: «لَا تُشْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ». (میبیدی، ۱۳۵۷: ۵ / ۶۶۹ - ۶۶۸)

واژه‌های فتوت و فتا در جهان عرب پیش از اسلام، گاه برای اشاره به ارزش‌هایی همچون

سخاوت، مهمان‌نوازی، شجاعت و همبستگی استفاده می‌شد و این امکان نیز وجود دارد که - در موقعیتی دیگر - قرآن تا حدی، مفهومی جدید را در واژه‌های القا کرده باشد که پیش‌تر در محیط اجتماعی عربستان وجود داشت. (همان: ۸۰ - ۷۹)

بحرانی در تفسیر خود، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت خطاب به مردی فرمود: شما به چه کسی فتا می‌گویید؟ عرض کرد: به جوان. حضرت فرمود: «نه، فتا مؤمن است. اصحاب کهف همگی بزرگسال بودند؛ اما خداوند آنان را به سبب ایمانی که داشتند، فتیه (جوانان، جوانمردان) نامید. ای سلیمان هر که ایمان به خدا داشته باشد و تقوا پیشه کند، فتا است.» (حسینی بحرانی، ۱۴۱۹: ۶ / ۱۹۸)

در معانی الأخبار آمده است که فردی گفت: در حضور امام صادق علیه السلام سخن از جوانمردی به میان آمد و او فرمود: «شما گمان می‌کنید جوانمردی به بی‌باکی و لاپرواہی گری است؟ خیر، جوانمردی عبارت از سفره‌ای گسترده، بخششی وافر و چهره‌ای گشاده و بشاش در ملاقات دیگران».^۱ (صدوق، ۱۳۷۲: ۱۱۹) برخی گفته‌اند اشاره به فسق و فجور در این روایت از آن‌روست که در زمان حضرت، عده‌ای همانند سفیان ثوری معتقد بودند برای رسیدن به فتوت باید بعد از انجام گناہانی توبه نمود؛ گویا بدون گناہ نمی‌توان به این جایگاه دست یافت و این بیان حضرت ناظر به چنین دیدگاهی است. (بنگرید به: طریحی، ۱۹۸۵: ۱ / ۳۲۵)

به هر روی، در روایات فراوانی از مفهوم فتوت سخن به میان آمده که در این مجال به طرح مواردی بیش از این نیازی نیست.

پیشینه فتوت در اسلام

در بیشتر آثاری که از اهل فتوت باقی مانده، ایشان برای مسلک خود تاریخچه‌ای طولانی ترسیم نموده‌اند و سابقه این جماعت را به پیامبران بزرگ الهی رسانده‌اند. ابو‌عبدالرحمن سلمی (م. ۴۱۲) که از نخستین نویسندگان فتوت‌نامه است، در نسبت دادن جوانمردی برای نخستین بار به پیامبران و در اسلام نیز به امام علی علیه السلام می‌گوید:

۱. روی الصدوق فی معانی الأخبار بسند مرفوع الی ابی عبدالله علیه السلام قال: تذاکرنا أمر الفتوة عنده فقال: أتظنون أن الفتوة بالفسق والفجور! إنما الفتوة طعام موضوع و نائل مبذول و بشر معروف ...

هابیل به فتوت مقبول افتاد چنان‌که قایل از آن مردود شد. شیث حق فتوت را ادا کرد و از هر پلیدی آن را بپیراست. ادريس بدان به جایگاه عالی رسید و از نیرنگ ابلیس رهایی یافت. زاری نوح به محبت فتوت افزود و نور آن به وی تابید. عاد به فتوت نامیده شد و از ناپاکی رست. هود به فتوت نیک شد و با فتوت به عهدها وفا نمود. صالح به فتوت از زشتی‌ها نجات یافت و به ابراهیم لقب فتی گرفت و بت‌ها و پیکره‌ها را سرنگون کرد ... محمد ﷺ با فتوت به پیروزی درخشان رسید و برادر و پسر عمویش امیرالمؤمنین علی ﷺ را امین قرار داد. (سلمی، ۱۳۸۵: ۱۸)

همه افتخار اهل فتوت در اسلام آن است که خود را به مولای جوانمردان علی ﷺ برسانند؛ همو که در شأن فتوتش جبرئیل فرمود: «لا فتی إلا علی لا سیف الا ذوالفقار» ایشان در بیان فتوت حضرت که در نگاه آنان بیشتر معطوف به چشم‌پوشی از خطای دیگران است، داستان‌هایی ذکر می‌کنند که در جای خود قابل دقت و استفاده است.

با یک نگاه می‌توان گفت کارکرد اصلی این بازگشت به گذشته و نشان دادن ریشه‌های این مسلک در تاریخ و آثار گذشتگان از دو جهت قابل توجه است: هم می‌توانست اهل فتوت را از تهمت بدعت - که از ناحیه اهل ظاهر، گریبان‌گیر هر امر تازه‌ای در تمدن اسلامی می‌شد - برهاند و هم با یافتن پشتوانه‌های معرفتی مستحکم، مقبولیت بیشتری در میان مخاطبان بیابد. این امر از قرن چهارم هجری بین آنان رایج شد و بیشتر در جستجوی مستمسکات دینی بودند. آنان مشی خود را به گذشته پیوند می‌زدند و آن را در احوال و افعال پیامبران و اولیای الهی نشان می‌دادند و این تنها در راستای توجیه مسلک ایشان نبوده است و می‌توان هم‌اوایی‌ها و هماهنگی‌های فراوانی میان آنان و مستندات که بدان تکیه کرده‌اند، نشان داد. در این مجال بایسته می‌نماید برای تبیین بهتر این نکته به فتوت‌نامه‌ها و رابطه آنها با اصناف پردازیم و حدود و ثغور آنها را بکاویم.

فتوت‌نامه‌ها و اصناف

وجود فتوت، عیاری و جوانمردی در میان جوانان موجب گردید تا این آیین به‌میان اصناف، پیشه‌ها و مشاغل نفوذ کند و هر صنفی برای خود، آداب و مرامنامه‌ای داشته باشد. کانون اصلی سخن در همین نکته خلاصه می‌شود که رابطه میان مشاغل و اصناف با فتوت‌نامه‌هایی که

بزرگان حرفه‌ها در هر صنف نوشته‌اند، موجب گشت تا فتوت‌نامه‌ها، نظارتی اخلاقی بر زندگی حرفه‌ای توده مردم داشته باشند. این آثار، متون بسیار ارزشمندی هستند که از جنبه‌های مختلف تاریخی، اجتماعی، اخلاقی، هنری و ... قابل بررسی و استفاده‌اند.

نگاهی به رساله‌های فتوت، بیانگر این است که اصول فکری و رفتاری اهل فتوت با زهد و تصوف آمیخته بود و فتوت‌نامه‌ها تحت تأثیر آن مبانی مکتوب شده‌اند.^۱ بزرگان اهل فتوت برای آموزش اخلاقی پیروان و مریدان خود، رساله‌ها و کتاب‌هایی را درباره شیوه جوانمردی می‌نوشتند و آنها را «فتوت‌نامه» می‌نامیدند. می‌توان هدف از نگارش این رساله‌ها را در چند نکته جستجو کرد: لزوم پایبندی به اخلاق در هر حرفه و صنعت، جلوگیری از انحراف‌ها و لغزش‌های اهل فتوت و پیاده‌سازی و عملی کردن اصول نظری فتوت.

اما درباره سابقه تاریخی آن اطمینان داریم که دست‌کم از حدود سده هشتم، فتوت اصناف و پیشه‌وران در ایران و آناتولی جریان داشته است. ابن بطوطه ضمن شرح دیده‌های خود در شهرهای اصفهان و شیراز در ایران و انطاکیه در آسیای صغیر، از برخورد خود با جوانمردان این دو شهر که میهمان‌نوازی آنان وی را به اعجاب واداشته بود، صحبت می‌کند. وی سپس به پیشکشوت فتیان که به «اخی» معروف است و به سلیقه جوانمردان انتخاب می‌شود، اشاره می‌کند و می‌نویسد:

پیشکشوت هریک از گروه‌ها خانقاهی دارد مجهز به فرش و چراغ و سایر لوازم. اعضای وابسته به هرکدام از گروه‌ها آنچه را که از کار و کاسبی خود به دست می‌آورند، هنگام عصر تحویل پیشکشوت خود می‌دهند و این وجوه صرف خرید میوه و خوراک می‌شود که در خانقاه به مصرف می‌رسد.
(ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۳۱۵)

۱. مرحوم زرین کوب درباره ارتباط رساله‌های موجود در اصناف و ارتباط آنها با مشایخ صوفیه می‌گوید: «سؤال و جواب‌ها یا تعلیم‌نامه‌های اصناف که درین روزگاران در هند و ماوراءالنهر در نزد طبقات اصناف وجود داشت و نگهداری آنها از واجبات اخلاقی و مذهبی افراد منسوب به آن طبقات تلقی می‌شد، غالباً «رساله» نام داشت و جوهر تعلیم آنها نیز عبارت از آیین فتوت بود. از بررسی بعضی ازین «رساله»ها مثل رساله *نَسَاجَان* و رساله *سَمَایان*، ارتباط طبقات این اصناف با مشایخ صوفیه پیداست. این رساله‌ها، یادآور رساله‌های درویشان خاکسار است که آنها نیز مثل طبقات اصناف در حفظ و نگهداری رسالات خویش یک نوع ضرورت روحانی و دینی می‌دیده‌اند». (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۳۵۶)

در باب اینکه فتوت از چه زمانی در ساختار صنفی مطرح شده، آرای گوناگونی ارائه شده است. برخی تشکیل فتوت اصناف را تا پیش از اسلام به عقب می‌رانند و برخی نیز شواهدی از فتوت اصناف را در *قابوس‌نامه* نشان می‌دهند. (عنصر المعالی، ۱۳۱۲: ۲۴۲)

برخی از محققان نیز معتقدند تشکیل فتوت ناصر خلیفه و ترک دزدی و غارتگری عیاران و جوانمردان و گرایش به زهدپیشگی، آنان را به پیشه‌وری و کسب در شهرها کشاند. (افشاری، ۱۳۸۲: ۲۸)

به هر روی، در دوره‌ای که جوانمردی با سلوک اخلاقی و عرفانی - چه عامیانه و چه غیر عامیانه - آمیخته شد، در محدوده عادات و رفتارهای عرفانی محدود نماند. بسیاری از عارفان دارای شغل و حرفه بودند و از این‌رو آیین فتوت را در مشاغل و حرفه‌ها و در آداب و قواعد هریک از شغل‌ها نیز دخالت دادند و بر این باور بودند که اگر کسی وارد عرصه فتوت شود، شغل و حرفه او هم وارد عرصه جوانمردی می‌شود و او باید در شغل خود نیز این اصول جوانمردی و فتوت را مراعات نماید. یکی از امور مشترک میان ارباب ملامت و اهل فتوت این بوده که هر دو طائفه براساس سنت نبوی بر این امر توافق داشته‌اند که سالک باید به شغل و حرفه اشتغال داشته باشد. آنها به این سخن پیامبر اکرم ﷺ استناد می‌کردند که «خداوند مؤمن کوشا و مشغول به دادوستد و اهل حرفه را دوست دارد». (کلینی، ۱۳۶۴: ۵ / ۸۸)

نگاهی به دوره‌های میانه تاریخ ایران از جمله دوره‌های ایلخانان، تیموریان، صفویه و قاجار گویای این است که آمیختگی میان شغل و دین‌داری یا به تعبیر دیگر، میان رعایت اصول اخلاقی و روش‌های حاکم در شغل و حرفه به قدری بوده است که دین‌دارترین و وارسته‌ترین اشخاص در میان صاحبان حرفه‌ها و مشاغل بوده‌اند و صاحبان مشاغل و اصناف نیز از دین‌داران و اهل اخلاق شمرده می‌شدند و آنان مجموعه اصول و قواعد معنوی فتوت‌نامه‌ها را تنظیم می‌نمودند. از این‌رو هیچ توصیفی از وضعیت مشاغل در دوره‌هایی همچون صفویه کامل نیست؛ مگر آنکه نقش اصناف و ماهیت شدید مذهبی فعالیت آنها را بیان کند. (نصر، ۱۳۸۵: ۲۷۸)

داشتن پیشه و شغل در کنار اموری همچون وفا، گذشت و خدمت به خلق، جزء شرایط فتوت تلقی می‌شد و این امر عامل به وجود آمدن اصناف فتوت گشت.^۱ از قرن پنجم، ورود به جمع

۱. هانری کربن در *فتوت‌نامه چیت‌سازان* درباره گسترش یافتن آیین فتوت در مشاغل و حرفه‌ها، برخلاف

اصحاب فتوت، آداب ویژه‌ای به خود گرفت و به تدریج نوشتن فتوت‌نامه همچون تدوین منشوری اخلاقی درآمد. (بنگرید به: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۶۱)

از اینجا ارتباط مستقیم حرفه و صنعت با فتوت به چشم می‌آید؛ یعنی کسی که می‌خواسته وارد صنعت و پیشه‌ای بشود، باید وارد طریق فتوت شده، فتا می‌شده است. برای نمونه، کسی که می‌خواسته معماری یا خطاطی یاد بگیرد، باید از استادی - که خود اهل سلوک بوده - ابتدا درس فتوت و سپس درس فن و حرفه می‌گرفته است. او ابتدا فتا می‌شده و پس از آن، فنون را می‌آموخته است.

جایگاه اخلاق در فتوت‌نامه‌ها

در فتوت‌نامه‌ها، مشاغل با رازورزی و جنبه‌های اخلاقی همراه شد و به تعبیری روشن‌تر، تحقق این امور مشروط به سلوکی نفسانی - اخلاقی گردید. بررسی فتوت‌نامه‌ها به‌خوبی این مهم را روشن می‌کند که مهذب شدن طالب فن و نوع نگاه او به حرفه‌اش تا چه میزان در به مقصد رسیدن طالب نقش دارد.

شاید در نگاه ناظر بیرونی، برجسته‌ترین جنبه فتوت در همین صبغه اخلاقی آن نهفته باشد و از این رو برخی در مقام تعریف از فتوت چنان سخن می‌گویند که گویا علم اخلاق را تعریف می‌کنند. برای نمونه، *فتوت‌نامه سلطانی* در تعریف فتوت می‌گوید:

فتوت در عرف عام عبارت است از اتصاف به صفات حمیده و اخلاق پسندیده، بر وجهی که بدان از ابناء جنس خویش ممتاز گردد و به تعریف خواص عبارت

عبدالحسین زرین کوب و شفیعی کدکنی که میان فتوت اهل تصوف با فتوت عامیانه تفکیک می‌کنند، معتقد است فتوت‌نامه‌ها با وجود آنکه در قرن پنجم از پیوند فتوت و تصوف آغاز شده‌اند، به همه جنبه‌های زندگی از جمله شغل و حرفه گسترش یافته‌اند. کرین در این باره می‌گوید: «فتوت در همه جنبه‌های زندگی اسلامی، حتی در وضع حرفه‌ها و مشاغل گوناگون رخنه کرده بود. در رساله‌های پیشین گفته شد شوالیه معنوی که فتوت مجسم‌کننده آن است، مظهر گویای جریان صوفیانه بوده است و بدین سبب دیدیم مؤلفان رساله‌های گوناگون، جنبه‌های اساسی فتوت را به مراحل و اصول صوفیه نزدیک دانسته‌اند ... گرچه نوع زندگی و طرز سلوکی که فتوت عرضه می‌دارد، ممکن است از صوفی‌گری سرچشمه گرفته باشد. با این وصف در محدوده عادات صوفیه قرار نمی‌گیرد ... نفوذ فتوت در مشاغل گوناگون در سازمان، رسوم و قواعد آنها اثر عمیقی داشته است. جوانمرد کسی است که مظهر کامل جوانمردان و انتقال شوالیه‌گری جنگی به عرفانی است؛ اما فرد مؤمنی که به حرفه‌ای اشتغال دارد، به‌صورت نمونه مطلوب درمی‌آید. حرفه کسی که به فتوت می‌پیوندد، هر حرفه‌ای که باشد، به‌نوعی خدمت شوالیه‌گری تبدیل می‌گردد». (کرین، ۱۳۶۳: ۸۰)

است از ظهور نور فطرت انسانی و استیلاي آن بر ظلمت صفات نفسانی تا فضایل اخلاق باسرها [کاملاً] ملکه گردد و رذایل به کلی اشفاء پذیرد. (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۹)

آیا اخلاق به‌دنبال چیزی غیر از این است؟

آنچه در فتوت‌نامه‌ها طرح می‌شود، به‌ویژه آنچه در باب لوازم ورود به حرفه و صنعتی مطرح شده، به‌خوبی اندیشه‌ها و آموزه‌های فتوت را به نمایش می‌گذارد و توصیه‌های نظری، در باب عمل پیگیری می‌شود. به‌روشنی می‌توان مقومات فتوت را در این آیین‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های رفتاری مشاهده کرد. همچنین می‌توان آمیختگی حرفه‌آموزی با دیانت و سیر و سلوک اخلاقی را در ذیل عناوین مختلفی جستجو نمود. در این مجال، برخی از این امور را که در عموم فتوت‌نامه‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و این آمیختگی را به‌خوبی به نمایش می‌گذارد و تصویر روشن‌تری از جایگاه ویژه اخلاق در فتوت‌نامه‌ها به دست می‌دهد، برمی‌شماریم که البته مجال برای پژوهش‌های بیشتر و افزودن عناوینی دیگر گسترده است:

یک. لزوم تهذیب نفس و سلوک اخلاقی در حرفه‌ورزی

گذری بر فتوت‌نامه‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که فتوت به چه میزان بر سلوک اخلاقی و تهذیب نفس استوار است. خالی کردن خود از هرچه غیرخدایی است و از هر آنچه خوف آن باشد که در مسیر این تکامل و تعالی نفسانی، در بزنگاهی رهنز شود، از مقدمات سلوک طریق فتوت است. صنعت در این دیدگاه مقدس است و همین موجب می‌شود تا فراگیری آن بدون تخلق به اخلاق الهی مقدور نباشد.

در سنت فتوت، ورود یک جوان در یک صنعت با آداب، کارآموزی، کسب اجازه از استاد فن، حق باز کردن دکان به دست او و همراه با مراسم خاصی بود که فرد را آماده می‌ساخت تا به کار خود، نگاهی مقدس و عبادی داشته باشد و به شغل و صنعت او چهره‌ای عرفانی می‌بخشید. (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۱۳۰)

به‌طوری‌که صنعتگران یا هنرمندان، همچون معماران، خطاطان، کتاب‌آرایان، شاغلان در هنرهای تزئینی و مانند آنها می‌توانستند به شغل خویش به‌منزله امری اسرارآمیز، مقدس و عبادی بنگرند و آن شغل را با آداب معنوی قرین سازند. (هولود، ۱۳۸۵: ۲۷)

در جای‌جای فتوت‌نامه‌ها این رویکرد اخلاقی - عرفانی کاملاً مشهود است؛ همان‌گونه که در اصل تعریف فتوت نیز چیزی جز تأکید وافر بر این امور وجود ندارد؛ یعنی سالک این طریق باید با تمام وجود دریابد که جز از مسیر توجّه به باطن و آراسته شدن به فضائل و پیراسته گشتن از رذائل راه به جایی نمی‌برد.

خودبینی که از بزرگ‌ترین رذائل بشمار می‌آید، از عمده‌ترین آفات فتوت معرفی شده است. کاشانی در این باره می‌نویسد است:

معظم آفات فتوت، دعوی است و نظر نفس بر فضیلت خویش جهت تبعیت هوا درو. چه بنای طریقت ایشان بر تجرّد نفس از علایق و عدم التفات آن به عوایق است و این معنا مهتّا نشود جز به فنای اوصاف بشری و زوال دواعی طبیعی. (کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۶۵)

ابن‌معمار بغدادی، دویست صفت را برمی‌شمارد که فتا باید دارا شود یا از آنها اجتناب کند که در رأس آنها معرفت خداوند و ایمان به او، ملائکه، کتاب‌ها و پیامبران قرار دارد. سپس تمامی آنچه ما برای یک سلوک اخلاقی لازم می‌دانیم، برمی‌شمرد و در پایان می‌گوید: طالب فتوت باید سالک راه متقین و مسیر رستگاران باشد که اگر چنین شد، به حقیقت فنا شده است. (بغدادی، ۱۹۵۸: ۲۶۱ - ۲۵۶)

به‌یقین پای نهادن در چنین طریقی به‌هیچ‌روی با رذائل اخلاقی قابل جمع نیست. در فتوت‌نامه دیگری می‌خوانیم:

اول باید که از مفسدات مروّت و ممتحنات حریت، چون دروغ و بهتان و غیبت و حرص و طمع و بخل و شره و حقد و حسد و غدر و جنایت و جفا و دنائت و حقارت همت و خساست و لاف زدن و بی‌شرمی کردن و متابعت هوا و محبت دنیا و مجالست دونان و فرومایگان و مرافقت ناکسان و سفلگان و معاشرت اهل فسوق و ریبت و اصحاب فجور و تهمت و مخالطت اشرار و مصاحبت شطّار و ضنّت و منافست در محقرات اموال و تشدّد و مضایقت در معاملات و ممالکست و مناقشت در آن به‌کلی حذر نماید و از آن احتراز واجب داند؛ چه امثال این خصال رخنه در قاعده مروّت آرد و اساس آن را خراب گرداند و فی‌الجمله هرچه موجب شین دین و ملت بود یا عیب در عرض و حمیت آرد و مورث هوان و مذلت گردد، مباین مروّت باشد. (صراف، ۱۳۷۰: ۴۸)

در قابوس‌نامه نیز می‌خوانیم:

بدان که جوانمردی عیاری آن بود که او را از آن چندگونه هنر بود: یکی آنکه دلیر و مردانه و شکیبیا بود به هر کاری و صادق‌الوعد و پاک‌عورت و پاکدل بود و زیان کسی به سود خویش نکند و زیان خود از دوستان روا دارد و بر اسیران دست نکشد و اسیران و بیچارگان را یاری دهد و بد بدکنان از نیکان باز دارد و راست شنود، چنان که راست گوید و داد از تن خود بدهد و بر آن سفره که خورد، بد نکند و نیکی ز بدی مکافات نکند و از زنان ننگ دارد و بلا راحت بیند. (عنصر المعالی، ۱۳۱۲: ۱۴۷)

باز در تأکید همین مسئله و ارتباط وثیق فتوت و سلوک اخلاقی می‌خوانیم:

فتوت اصولاً از لوازم سلوک بشمار رفته است؛ چه سالک تا در بذل وجود جوانمرد نباشد، نمی‌تواند از مراحل صعب سلوک بگذرد. لازمه فتوت سالک، از خودگذشتگی و بذل وجود و ایثار است و جوانمرد کسی است که عوامل نفسانی را ترک گوید؛ خاصه بخل و کبر را و در بذل مال و جان در راه خلق مضایقه نداشته باشد و در بخشش و سخاوت سخت پاکباز باشد.

هم‌نشین اهل معنا باش تا هم عطا یابی و هم باشی فتا

جان بی‌معنا در این تن بی‌خلاف هست همچون تیغ چوبین درغلاف

(کربن، ۱۳۶۳: ۲۱۹)

دو. جایگاه ویژه آیات و اذکار در حرفه‌ورزی

هیچ فتوت‌نامه‌ای را نمی‌توان یافت که بزرگان طریق فتوت در جای‌جای آن با بهره‌گیری مناسب از آیات و اذکار و اوراد، سالک را به جهات معنوی این مسیر و لزوم تذکار مستمر این ساحت رهنمون نشده باشند. نگاهی به فتوت‌نامه‌ها و رصد کردن این رویکرد در آنها نشان می‌دهد که استفاده از آیات به‌هیچ‌وجه از باب تفنن در سخن و کلام‌آرایی و نشان دادن توانایی ادبی همچون تلمیح و تضمین و مانند آن نیست. ویژه‌تر آنجاست که در خوانش برخی از این رساله‌ها که در ظاهر به‌راحتی نمی‌توان برای مشاغل مدنظر آنها جهاتی معنوی متصور شد، حضور چشمگیر این رویکرد را شاهدیم. (بنگرید به: همان: ۲۱ - ۲۰)

در رساله شاطران درباره صوص قنطوره^۱ آمده است:

۱. لباس کوتاهی به بندهای زیاد که مخصوص شاطران بود. (فرهنگ فارسی معین)

پیران و پیش‌قدمان گفته‌اند که بر هفت موضع قنطوره، هفت آیه نوشته است. اول بر گریبان قنطوره نوشته بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». دوم بر پیش قنطوره نوشته بود: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» (فتح / ۱) و سوم بر قفای قنطوره نوشته بود: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ». چهارم بر آستین راست قنطوره نوشته بود: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح / ۱۰) و پنجم بر آستین چپ قنطوره نوشته بود «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ». (صف / ۱۳) ششم بر یمین قنطوره نوشته بود که: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا وَ لِي اللَّهُ». هفتم بر یسار قنطوره نوشته بود که: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا». (انعام / ۷۹) (افشاری و مداینی، ۱۳۸۱: ۱۲۹)

در جای دیگر در رساله قصابان و سلاخان می‌خوانیم:

اگر پرسند که دست و پای گوسفند که می‌بندند، گوسفند چه می‌گوید، بگوی که می‌گوید: «إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ» (بروج / ۱۲) «فَعَالٌ لِمَا يَرِيدُ». (بروج / ۱۶) اگر پرسند که گوسفند را که سر می‌برند، چه می‌گوید، بگوی که: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (غافر / ۱۶) و بعضی گفته‌اند که می‌گوید که: «یا واحد الباقی اول کل شیء و آخره». اگر پرسند که سر گوسفند را که از تن جدا می‌کنند، چه می‌گوید، بگوی که: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». (قصص / ۸۸) اگر پرسند که گوسفند که جان می‌دهد، هر قطره خون که از حلق وی می‌چکد، چه می‌گوید و هر عضوی از اعضای او چه می‌خواند، بگوی که در وقت جان دادن می‌گوید که: «فَسَيَكْفِيكُمْ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»، (بقره / ۱۳۷) هر قطره خون که از حلق او می‌چکد، می‌گوید که: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (اخلاص / ۱) و هر عضوی از اعضای او می‌خواند که: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ». (آل عمران / ۱۸؛ همان: ۱۸۸ - ۱۸۷)

فتوت‌نامه چیت‌سازان که متنی بسیار ارزشمند و از جهات مختلف قابل بررسی است، در آمیختن همه مراحل چیت‌سازی به آیات، بیانی درخور دارد که چند عبارت آن را در این مجال متذکر می‌شویم:

سؤال: اگر پرسند که قدم به کارخانه می‌گذاری، کدام آیه می‌خوانی، بگو: «لَا

يُصَلِّاهَا إِلَّا الْأَشْفَى الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى» (لیل / ۱۵ - ۱۴) «أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى». (عبس / ۲)

سؤال: اگر پرسند که در وقت جوشانیدن کرباس، کدام آیه می‌خوانی، جواب بگو که: «فَأَمَّا مَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ». (قارعه / ۷ - ۶)

سؤال: اگر پرسند که در وقت باسمه کردن^۱ کدام آیه می‌خوانی، جواب بگو که: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ». (عبس / ۳۶ - ۳۴) (همان: ۸۴)

سه. فتوت‌نامه نداشتن حرف نامشروع

از دیگر مسائلی که ارتباط وثیق فتوت، دیانت و اخلاق را به‌خوبی بازتاب می‌دهد، آن است که مشاغلی که از جنبه دین و شرع مجاز نیستند و از ردائل اخلاقی بشمار می‌آیند، فتوت‌نامه ندارند و اصحاب فتوت معتقدند این مشاغل سزاوار جوانمردان نیستند و نیز افرادی که گرفتار ردائل اخلاقی هستند، اجازه ورود به فتوت را ندارند.

ابن‌معمار بغدادی، از بزرگان فتیان عراق در قرن هفتم، مشاغلی را که دارای فتوت‌نامه نبوده و شرایط فتوت را نداشته‌اند، نام می‌برد که صورتگری، قصه‌گویی، نی‌نوازی، شعبده‌گری، دلک‌بازی، ساختن آلات موسیقی، خنیاگری و رامشگری از این دست می‌باشند. (بغدادی، ۱۹۵۸: ۱۷۸ - ۱۷۶)

صاحبان فتوت‌نامه‌ها معتقد بودند صاحبان مشاغلی که در آنها فسق و گناه وجود دارد، نمی‌توانند جزء جوانمردان و اهل فتوت درآیند؛ چراکه فتوت با از خودگذشتگی، خدمت به خلق و خود را به جهت دیگران در زحمت انداختن و سلوکی اخلاقی همراه است و این نمی‌تواند با گناه و کسب حرام سازگار باشد.

دقت در مشاغلی که شایسته فتوت‌داری دانسته نشده‌اند، نکته جالب دیگری را برای ما روشن می‌کند و آن اینکه گاهی حتی مکروه بودن حرفه‌ای مانع ورود آن به عرصه فتوت می‌شده است. ناصری این گروه‌ها را برای فتوت‌داری ناشایسته شمرده است: دلاکان (که حجامتگر هم بودند)، دلالان، جولاهان، قصابان، جراحان و صیادان (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۱۲ - ۱۰) و می‌دانیم که برخی از این موارد مکروه شرعی هستند.^۲

۱. چاپ کردن.

۲. امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «وَلَا تُسَلِّمُهُ جِرَّارًا؛ فرزندت را به کار سلاخی نگمار!» ایشان در روایت

برخلاف مشاغلی همچون خطاطی، تذهیب، هنرهای تزئینی، کتیبه‌نویسی مساجد، معماری مساجد و تلاوت قرآن که امروزه این صنعت‌ها را به‌عنوان هنر می‌شناسند و مورد توجه مسلمانان بوده و در فتوت‌نامه‌ها به آداب و شرایط آنها اشاره شده است، پاره‌ای از هنرها و پیشه‌ها با اقبال جمعی و مقبولیت عمومی مواجه نگشتند. برای نمونه، گفته شده که آواز قینات (زنان آوازه‌خوان)،^۱ آواز مزمار (نی‌ها) و آواز معازف (نواختنی‌هایی مانند عود و طنبور) نامشروع هستند و حتی آنان که به این امور گوش فرامی‌دهند، صلاحیت ورود به میان اهل فتوت را ندارند. از این‌رو فتوت‌نامه‌نویسان، اشتغال به پاره‌ای از مشاغل را با روحیه فتوت و جوانمردی ناسازگار دانسته و نام صاحبان آن مشاغل را در کنار نام بزه‌کاران، دروغگویان و نیرنگ‌بازان ذکر کرده‌اند (همان: ۱۷۸) و با آنکه در عصر صفوی، حرفه‌هایی مانند معماری، طب‌اخ‌ی، کفش‌دوزی، سلمانی و ... دارای فتوت‌نامه بوده‌اند، شماری دیگر از مشاغل - از جمله پاره‌ای از هنرها - فاقد آن بوده‌اند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۷۳)

در فتوت‌نامه عبدالعظیم خان قریب^۲ فصلی با عنوان «در بیان آنکه چند کس را فتوت نپوشانند» وجود دارد. با دقت در مواردی که در این عنوان یا عناوین مشابه در فتوت‌نامه‌ها آمده، جایگاه ویژه اخلاق در فتوت روشن می‌شود و نشان داده می‌شود که رذائل اخلاقی چگونه شخص را از فتوت دور می‌کنند. در این مقام گذرا و با تلخیص، مواردی را که وی برمی‌شمارد، از نظر می‌گذرانیم:

اول غمّاز است که اصلاً فتوت به غمّازی درست نیست، از بهر آنکه رسول ﷺ گفت:
«حرمت شفاعتی علی ثلاث: الغمّازین و المشائین بالنمیمه و المرفیقین بین الاحبّه».
دوم نمّام را جائز نبود، یعنی سخن‌چین؛ از جهت آنکه شفاعت رسول بر نمّام حرام است؛ قوله تعالی: «هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أُتِمِّمِ» (قلم / ۱۲ - ۱۱)
و دیگر جای فرموده است: «وَيَلُّ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لَمْزَةً». (همزه / ۱)

دیگری از پیغمبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که فرمودند من به خاله‌ام غلامی را هدیه دادم و گفتم: این غلام را برای کار قصابی یا برای حجامتگری نگذار! (حر عاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۷ / ۱۳۶)

۱. قبل از ظهور اسلام و در دوران بت‌پرستی که به جاهلیت نیز معروف است، طبقه‌ای متشکل از دخترانی که آواز می‌خواندند، وجود داشت. این دختران به قیان یا قینات (جمع قینه) مشهور بودند.

۲. از قرائن برمی‌آید که این فتوت‌نامه در قرن ۸ یا ۹ هجری قمری نوشته شده است. (بنگرید به: افشاری، ۱۳۸۲: ۴۹)

... چهارم حسود و بخیل را نیز روا نیست قطعاً که حق تعالی می‌فرماید: «وَمَنْ يُوَقِّعْ لِنَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر / ۹) و رسول ﷺ گفت: دور باشید از بخل. آن قوم که پیش از شما هلاک شدند، به بخل هلاک شدند

... دیگر کسانی که خمرخور باشند را فتوت روا نیست، مگر که توبه کنند؛ زیرا که رسول فرموده است: «التائب من الذنب كمن لا ذنب له.» (افشاری، ۱۳۸۲: ۵۰)

در این بیان زیبا به‌خوبی دامان فتوت از رذائل اخلاقی پاک می‌شود و سالک اخلاق‌مدار درمی‌یابد که تنها با مجاهده‌ای نفسانی در مسیر تکاملی اخلاقی می‌توان به ساحت فتوت راه یافت.

نتیجه

آنچه از سیر و سفر در بوستان این فتوت‌نامه‌ها در عرصه صنعت و جنبه‌های اخلاقی آنها می‌توان به ارمغان آورد، عبارت است از:

۱. آنها شرط ورود به صنعت و پیشه را آراستگی و ادب دانسته و اهلیت یافتن و تخلق به اخلاق جوانمردی و پاک گردیدن از هرگونه رجز و ناپاکی و رذائل اخلاقی را شرط حضور برمی‌شمرده‌اند.

۲. ساختن را از ابتدا تا انتها با ذکر حق آمیخته‌اند و هر جزء و عنصری از صنعت خویش را وامدار حقیقتی سرمدی دانسته‌اند و ذکر زبانی و قلبی را به‌نحوی تمثیلی با سازندگی و ایجاد ممزوج کرده و هدف همه را قرب به حق دانسته‌اند.

۳. اعطا و اخذ یا تعلیم و تعلم در انتقال مهارت‌ها و راز و رمزها که از استاد به شاگرد می‌رسیده نیز در گرو یافتن اهلیت بوده است. شاگرد می‌بایست از توقف در عادات و اخلاق بد و خودبینی، خودپسندی و غرور و دنیاطلبی پرهیز می‌کرده و وجود خویش را برای درک حقایق و رموز آماده می‌کرده است.

۴. استادان ارشاد و پیشکسوتان علم و عمل، مقامی والا و اعتباری پابرجا در تمامی کار و پیشه داشته‌اند و حضور معنوی و نظارت اخلاقی استاد در کار ملحوظ بوده است.

امروزه هم رگه‌های کم‌سویی از آن در اصناف سنتی خود به‌ویژه در برخی هنرها می‌بینیم که جا دارد چرخشی احیاگرانه و مصححانه به‌سوی این متون داشته باشیم تا بتوانیم دین و اخلاق را در دل زندگی و کاروکسب خود جاری کنیم و فاصله ناروای موجود بین این ساحت‌ها را از میانه برداریم.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بطوطه، ۱۳۵۹، سفرنامه، ترجمه دکتر محمدعلی موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن فارس، احمد، بی تا، معجم مقاییس اللغة، قم، دار الکتب العلمیه.
۵. افشاری، مهران، ۱۳۸۲، فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. ——— و مهدی مدائنی، ۱۳۸۱، فتوت و اصناف، تهران، نشر چشمه.
۷. بغدادی، ابن معمار [ابوعبدالله ابوالمکارم]، ۱۹۵۸ م، کتاب الفتوه، تصحیح مصطفی جواد و دیگران، بغداد، مکتبه المثنی.
۸. پازوکی، شهرام، ۱۳۸۴، حکمت هنر و زیبایی در اسلام، تهران، فرهنگستان هنر.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۹۹ ق، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۲ ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۱۱. حسینی بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۹ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه البعثه.
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۵، جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر.
۱۳. سلمی، ابوعبدالرحمن، ۱۳۸۵، جوانمردی و جوانمردان [کتاب الفتوه]، ترجمه قاسم انصاری، قزوین، حدیث امروز.
۱۴. شرفی، محبوبه، ۱۳۷۶، «سازمان فیتیان و نقش خلیفه عباسی در احیاء آن»، ایران شناخت، شماره ۶.
۱۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۶، فلندریه در تاریخ، تهران، انتشارات سخن.
۱۶. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، ۱۳۷۲، معانی الاخبار، قم، مکتبه المفید.
۱۷. صراف، مرتضی، ۱۳۷۰، رسائل جوانمردان مشتمل بر هفت فتوت‌نامه، مقدمه هانری کرین، تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه و انتشارات معین.
۱۸. طریحی، فخرالدین، ۱۹۸۵ م، مجمع البحرین، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

۱۹. طوسی، احمد بن محمد، ۱۳۶۰، *سماع و فتوت*، بی‌جا، بی‌نا.
۲۰. عقیقی، ابوالعلاء، ۱۳۶۹، *الملاطیة و الصوفیة و اهل الفتوة*، ترجمه مهدی تدین، گردآوری نصرالله پورجوادی، بی‌نا.
۲۱. عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس، ۱۳۱۲، *قابوس‌نامه*، سعید نفیسی، تهران.
۲۲. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، ۱۳۷۴، *رساله قشیریہ*، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۳. کاشانی، عبدالرزاق، ۱۳۶۹، *تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان*، تصحیح سید محمد دامادی، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۴. کرین، هانری، ۱۳۶۳، *آیین جوانمردی*، ترجمه احسان نراقی، تهران، نشر نو.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۴، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۲۶. گنون، رنه، ۱۳۶۱، *سیطره کمیت و علائم آخرالزمان*، ترجمه علی محمد کاردان، تصحیح اسماعیل سعادت، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۷. گولپینارلی، عبدالباقی، ۱۳۷۹، *فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن به همراه فتوت‌نامه منظوم ناصری*، ترجمه توفیق، ه سبجانی، تهران، روزنه.
۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، *مجموعه آثار*، ج ۳، قم، صدرا.
۲۹. مولوی، جلال الدین، ۱۳۶۲، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، امیرکبیر.
۳۰. میدی، رشیدالدین، ۱۳۵۷، *کشف الاسرار و عده الابرار*، تهران، امیرکبیر.
۳۱. ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۴۸، *آیین عیاری*، مجله سخن، دوره نوزدهم، ش ۶ - ۱.
۳۲. نصر، سید حسین، ۱۳۸۵، *قلب اسلام*، ترجمه سید محمد صادق خرازی، تهران، نشرنی.
۳۳. واعظ کاشفی سبزواری، ملاحسین، ۱۳۵۰، *فتوت‌نامه سلطانی*، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۳۴. هولود، رناتا (گردآورنده)، ۱۳۸۵، *اصفهان در مطالعات ایرانی*، تهران، فرهنگستان هنر.